

هنگامه های روان‌درمانی و اخلاق

دکتر محمد مهدی خدیوی زند

آزادی درمانگر

چکیده

در این گزارش روشن می‌سازیم که رفتارها و ارزشهای روان‌درمانی و اخلاق یکسانی و هم‌زمانی دارند: روشها و شیوه‌هایی که روان‌درمانگر برای سلامت بخشی بکار می‌برد نمودی از رفتارها و ارزشهای اخلاقی اوست. با تکیه به دیدگاه هنگامه‌ها^۱ نشان می‌دهیم که معیارهای دانشی بودن تلاشهای روان‌درمانی و اخلاق یکسان است، هدفها و روشهای دست‌یابی به آنها یکی است: اینهمانی هنگامه‌های دانش و اخلاق در تمام دانشها بویژه دانشهای بالینی^۲ مشاهده شدنی است.

واژه‌های کلیدی: روان و روان‌درمانگری، اخلاق و اخلاقی بودن، دیدگاه هنگامه‌ها، دانشهای

بالینی

Abstract

In this article, we clarify that psychotherapeutic behaviors, and values are consistent with psychotherapists' moral values and ethical standards: methods and strategies that are used by psychotherapists to maintain their clients' health are reflected in their moral values. In the current study with emphasis on the theory of incidences, we demonstrate that criteria for the scientific studies in psychotherapy are identical to therapeutic efforts and ethical standards. Goals of approaching these virtues are the same. Identical perspectives in all endeavors of science and ethics, especially in clinical psychology is observable.

^۱ دیدگاهی که در این گزارش با زمینه‌ها، روشها و معیارهای دانشی بودن در روان‌درمانی و اخلاق آشنا می‌شویم.

^۲ دانشهایی که در فضاها، بالینی، از رویارویی یک انسان با انسان دیگر و با یک انسان با چیزها پیدا می‌شود.

Keywords: Psych, psychotherapy, ethic, ethical theory of incidences, clinical psychology.

پرسشها و پاسخها

- امروز در فرهنگستان علوم چه خبر بود؟ چه کردی و چه گذشت؟
- * می بینم کنجکاو شده ای و می خواهی از کار دیگران سردرآوری! همه چیز را به پرسش می گذاری!
- این هنر را تو به من آموخته ای.
- * نامه ای از دانشنامه بزرگ فارسی در وزارت علوم به فرهنگستان رسیده بود:
- "به آگاهی می رساند، دانشنامه اخلاق شامل حدود پنجاه مجلد در زمینه های گوناگون اخلاق با همکاری استادان، دانشمندان و اخلاق پژوهان ... در دست تهیه و تدوین است. تهیه کنندگان بسیار مفتخر خواهند شد چنانچه آن سازمان محترم به جمع پشتیبانان این اثر ماندگار و متناسب با زمینه های مورد استفاده خود به حمایت مالی و گسترش اخلاق حرفه ای پردازد.
- منظور آنها از اخلاق چیست؟
- * طراحان دانشنامه در چند برگ پیوست کوشش کرده اند به این پرسش پاسخ دهند، آنها را برای می گویم باشد و خدا کند که پاسخ پرسش هوشمندانه خود را پیدا کنی!
- در پیوست نامه نوشته اند:

دانشنامه بزرگ اخلاق

ضرورت: اخلاق شاخه ای از علوم است که به بررسی خوی ها و رفتارهای آدمی و ارزشگذاری و قضاوت درباره آنها می پردازد: برخی مانند ژان ژاک روسو، وجدان اخلاقی را فطری می دانند و بعضی مانند آگوست کنت، جان لاک و جان استوارت میل، آن را تجربی و آکسابی تلقی می کنند، عده ای نیز دین و گروهی دولت را معیار اخلاقی می دانند و دسته ای، اختیار را به افراد داده اند...

از آنجا که علم اخلاق، شالوده و پایه حفظ رفتارها و هنجارهای نیک و زیبا و سودمند است، فراهم آوردن منابع و مراجع اطلاعاتی پایه، در بررسی حفظ و گسترش این علم بسیار ضروریست.

اهداف: اطلاع رسانی درباره زمینه ها و شاخه های متفاوت علم اخلاق برای ارائه اثری جامع و جدید در راستای ایجاد حفظ و اعتلای ارزشهای انسانی و اخلاق در خانواده، جامعه و حوزه های تخصصی مربوط.

زمینه های پیش بینی شده: تاریخچه اخلاق، فلسفه اخلاق، آموزش و گسترش اخلاق، اخلاق در آموزش، اخلاق در مدرسه، اخلاق دانشگاهی... اخلاق کشاورزی، اخلاق زیست محیطی،... اخلاق در مدیریت، اخلاق و سیاست، اخلاق پرستاری، اخلاق در ژنتیک،... اخلاق پزشکی، اخلاق در پژوهش،... و دهها زمینه دیگر.

- خداوندگارا یاریم کن؛ نویسندگان این نامه، طراحان و مجریان دانشنامه بزرگ اخلاق بجای پاسخ به پرسش من! بجای آنکه بگویند منظورشان از اخلاق چیست؟ از وجدان اخلاقی، معیارهای اخلاق، علم اخلاق، اخلاقمند کردن، تاریخچه، فلسفه و آموزش اخلاق سخن می گویند، چراغ بدست نابینا داده اند تا اخلاق را در مدرسه، در دانشگاه، در قانون، در مراقبتهای بهداشتی، در کشاورزی، در مهندسی، در تاریخ نگاری، در پرستاری، در ژنتیک، در پزشکی، در پژوهشگری، در هوا و فضا، در جنگل داری، در مدیریت معادن و آب... جستجو کند!!

* درد ترا می فهمم، اما آنها گفته اند، علم اخلاق، شالوده و پایه حفظ رفتارها و هنجارهای نیک، زیبا و سودمند جامعه است.

- منظورشان از نیکی و از زیبایی و سودمندی چیست؟ آنها را در کجا و چگونه جستجو

کنیم؟!

* نیکی و زیبایی در هستی ما هنگامی آشکار می شود که آنچه را که می گویی هستم، با تمام هستی خود به نمایش بگذاری: اگر می گویی استاد فیزیکم، استاد بودن در فیزیک، اگر پزشک جراحی در جراحی کردن، اگر پرستاری در پرستاری کردن، اگر آموزگاری در آموزش دادن...

- دوست دارم هستی ترا به نیکی و زیبایی ستایش کنم، از خودت بگو، تو رواندرمانگری، نیکی، زیبایی، سودمندی را در خودت، از خودت و با خودت نشانم بده، بهر کجای عالم که بگویی برای پاسخهایی با تو خواهم آمد.

* راه دور نرویم، نیکی، زیبایی و سودمندی هم اکنون اینجا میان من و تو به نمایش در آمده است و از آنها بهره مند می شویم.

- شوق آن دارم از بودن آنها در هنگامه های رواندرمانی و اخلاق در اینجا و اکنون با خبر شوم.

* تابحال از همزمانی و یکسانی روش پژوهش، تشخیص و درمان چه چیزهایی بیاد داری. - از تو آموخته ام که هرگاه به واژه های کلی و مبهم رسیدم آنها را جداگانه و در ارتباط با هم به پرسش بگذارم و هرگاه در پاسخها واژه ای کلی و مبهم یافتم دوباره از آنها پرسش کنم. آنقدر پیش بروم تا به پاسخهای جزئی و روش برسم. اکنون در چنین وضعیتی هستم، ای روشنگر مهربان، آگاهم ساز: منظورت از هنگامه های رواندرمانی و اخلاق چیست؟!

* بارها آگاهت کرده ام که پاسخ پرسشها همیشه و در همه جا با ماست: فضایی که هم اکنون من و تو در رویارویی با هم ساخته ایم: فضائیت که هر روز میان من و مراجعینم برای رواندرمانی ساخته می شود. همانطور که هم اکنون شاهد آن هستی این فضا مجتمعی از تلاشهاییست که در آن رفتارها، حالتها، گفتارها، هیجانها، احساسها، خواسته ها، اندیشه ها، پرسشها و پاسخهای یکدیگر را مشاهده می کنیم، به پرسش می گذاریم و پاسخهایی می کنیم، این مجتمع را فضای بالینی می گویم و کوچکترین واحد آن را هنگامه نامیده ام.

- چه روشن سخن می گویی، می دانم که تو سالهاست در این فضاها و با این هنگامه ها به پژوهش، تشخیص و درمان پرداخته ای و همواره با فرانگری خودت را با مراجعینت و آنچه میان شما می گذرد در فضا و چیزهایی که در آنست مشاهده کرده ای، به پرسش گذاشته ای و پاسخهایی نموده ای از این فرانگریها چه ره آوردهایی داری به من بگو تا برای همگان بازگویی کنم.

* برگردیم به خودمان، هنگامه هایی که هم اکنون در فضای رویارویی در خود و با خود برپا کرده ایم، اگر در حال پرسش و پاسخ راه برویم، آن گوشه روی صندلی بنشینم چه اتفاق می

- پیداست که رفتارها، حالتها، گفتارها، احساسها، ارزشها و اندیشه هایی که میان من و تو می گذرد تغییر می کند.

* تغییرات در هر نگاه، در تکان دست و پا، در هر واژه ... پیدا می شود و روشنگر آنست که کل مجتمع و هنگامه هایی که میان من و تو است در تغییر است قابلیت تغییرپذیری را پویایی فضاها و هنگامه ها نامیده ام: یک بار با نگاهت می گویی بایستیم، بنشینیم، راه برویم، یکبار با نگاهت پرسش می کنی و یکبار می خواهی و یا نمی خواهی که ساکت باشیم.

- از اینکه دوستی مانند تو دارم خرسندم، آموختم که مجتمع های بالینی و هنگامه های آنها پویا هستند: هر چه در آنها، با آنها و از آنهاست در حال تغییر و تحول است. ای دوست روشنگر، از آنچه در این پویایی می گذرد بیشتر با خبرم کن.

* با فرانگری در فضاها و هنگامه هایی که اینجا و اکنون میان من و تو، ساخته و درهم ریخته می شوند آگاهی های فراوانی می یابیم: هر چه در هنگامه ها می گذرد طنین آهنگ هایی است که در کل مجتمع نواخته می شود و هرچه در مجتمع اتفاق می افتد در تمام هنگامه ها نمایان می گردد: هنگامه های راه رفتن، نشستن، ایستادن، پرسیدن، و پاسخایی، حالتها، رفتارها، گفتارها، هیجانها و ارزشهایی را نمایان می سازند که در کل مجتمع طنین انداز شده است.

- می خواهی بگویی که هنگامه های روان‌درمانی و اخلاق در فضاها بالینی که میان من و تو است یکسان و همزمان تغییر و تحول می یابد و پویا می شوند هر دو نمایشگر تلاشهایی هستند که در مجتمع اتفاق می افتد؟!

* با فرانگری در پرسشها و پاسخهایی که هم اکنون داشتیم شهادت آن را پیدا کرده ایم که بگوییم: در فضاها بالینی روان‌درمانی و اخلاق هنگامه ها و تلاشهای پژوهشی، تشخیصی و درمانی یکسانی و همزمانی دارند.

- بارها گفته ای یک شب ره صد ساله میروی شگفت انگیز است! سرگردانی و اشتیاق من بیشتر شد، چگونه می توان در روان‌درمانی و اخلاق همزمان به پژوهش، تشخیص و درمان پرداخت؟! برای پاسخایی بهر کجا بگویی میروم و می آیم...

• راه دور نمی رویم اینجا و اکنون، میان من و تو: گفتارها، رفتارها، حالتها، ارزشها، هیجانها، احساسها، قضاوتها و تمایلاتی که پیدا می شود به پرسش می گذاریم: آنها در چهار وضعیت پیدا می شوند:

۱- آنچه که به دیگران، به یکدیگر و به چیزها نسبت می دهیم: آن فرد خیلی پرخاشگر است، آن دیگری بسیار شاد است، غروب آفتاب زیاد غمگین است... اینها که با تاکیدهای بسیار، خیلی و زیاد همراه است برونفکنی های خود ماست.

۲- آنچه که در رابطه با دیگران، با یکدیگر و با چیزها نشان می دهیم: دست می دهیم، کتابها را در قفسه می گذاریم، نایینا را از پل عبور می دهیم... اینها برون نمایی های ماست.

۳- آنچه که به خود نسبت می دهیم: خسته ام، راست می گویم، به عهدم وفا می کنم... درونفکنی است.

۴- آنچه که در خود نشان می دهیم: سکوت می کنم، اشک می ریزم، لبخند می زنم... درون نمایی است.

- اکنون دریافتم که هنگامه های رواندرمانی و اخلاق مجتمع های یکسان و پویایی از رفتارها، گفتارها، حالتها، ارزشها، هیجانها، احساسها، تمایلات، قضاوتها... هستند که در چهار وضعیت برونفکنی، برونمایی، درون فکنی، درونمایی همزمان و یکسان بروز می کنند.

• و آگاه شدیم که تلاشهای رواندرمانگر همان، تلاشهای اخلاقی اوست: هرچه در رواندرمانگر مهارت و توانمندیش افزایش یابد اخلاقی پرتواتر و ماهرانه تری را به نمایش می گذارد و این نمایش زیبایی، نیکی و سودمندی در هنگامه های سالم بودن و سلامت بخشی کردن، اخلاقی بودن و اخلاقی ساختن است.

- چه با شکوه، زیبا، نیک و سودمند پاسخ دادی، روشنگری و مهربانی تو به من جرئت می دهد که پرسشهای بیشتری داشته باشم: هنگامی که مراجعین نزد تو می آیند مهارت و توانمندیت را چگونه نمایش می دهی؟

• اکنون تو مراجع هستی از تو و از آنها می پرسم منظورتان از آمدن چیست؟ از من چه می خواهید؟ با این پرسش نهایت احترام و توجهم را به خواسته هایتان نشان می دهم. این پرسش احترام آمیز و آرامش بخش است، اخلاقی و درمان کننده است: اگر می پرسیدم چرا و بچه علت

آمده ای، بازپرسی بود، و ترا در وضعیت دشوار بازجویی قرار می‌دادم. اکنون آرام هستی و از خواسته های خود راحت تر و روشن تر سخن می‌گویی.

- آنها و من پاسخ می‌دهیم، برای کمک آمده ایم.

* به آنها و تو می‌گویم: "کمک، مشورت، راهنمایی نمی‌کنم، دارو و نسخه هم نمی‌دهم، کار من سلامت بخشی است: زهرا و احمد سالم چه کسی است؟! اینها کسانی نیستند که در هر وضعیتی بگویم این کار را بکن آن کار را نکن، آنها و تو وقتی سالمید که در هر وضعیتی آزادانه، آگاهانه و خودخواست تلاش می‌کنید، راهنما، مشاور و کمک یار خود می‌شوید: بنابراین من آگاهی تو و آنها را نسبت به آنچه در شما و در روابطتان با دیگران و چیزها می‌گذرد افزایش می‌دهم تا در پرتو این آگاهی‌ها با آزادی و خواست خودتان مشاور، کمک یار و راهنمای خودتان شوید.

- شگفتا، تلاشهای سالم و سلامت بخش، اخلاقی و اخلاقی ساز تلاشهایی هستند که آزادانه، آگاهانه و خودخواست پیدا می‌شوند، بار دیگر به یکسانی و همزمانی هنگامه های روان‌درمانی و اخلاق اینجا و اکنون پی می‌بریم، اکنون می‌خواهم بدانم آزادی، آگاهی و خواست چه رابطه ای با هم دارند و چگونه در هم، باهم و از هم پیدا می‌شوند؟

* اینها یکدیگر را در بردارند و از هم گزارش و نشان می‌دهند: آزادی، خواستی است که آگاهانه برآورده می‌شود، خواست آگاهی است که آزادانه بکار گرفته میشود، آگاهی خواستی است که آزادانه بروز می‌کند.

- می‌خواهم بدانم سالم و ناسالم بودن اخلاقی و غیراخلاقی شدن چگونه پیدا می‌شوند و چگونه همزمانی دارند؟!

* اینها در تک تک یاخته های ما در تلاشهای نخستین هستی ما نهفته اند: از آغاز تولد سازنده رفتارها، هیجانها، ارزشها، قضاوتها... ما هستند. تلاشهای نخستین در هر یاخته مشاهده کردن و پرسیدن و پاسخ یابی است:

لبان شیرخوار با شیشه شیر تماس می‌گیرد (مشاهده). می‌پرسد تلخ است یا شیرین. پاسخ می‌دهد: می‌مکد و یا واپس می‌زند. این کنشها را در تک تک یاخته بدن خودمان و هر موجود

زنده می توان یافت... این آهنگ هستی دار بودن و هستی بخش شدن است که جان و روان ما را می سازد.

- منظورت از جان و روان چیست؟ اینها چگونه پیدا می شوند؟ و چه وضعیتی با هم دارند؟

* جان همان آهنگ هستی است که با مشاهده، پرسش و پاسخ در ژنها و یاخته ها و تمام ذرات بی نهایت کوچک و بی نهایت بزرگ هستی ها نواخته می شود، روان از باهمی و همزمانی تلاشهای آزادانه، آگاهانه و خودخواست جان برای هستی یابی و هستی بخشی پیدا می شود.

- حال می توانم پیام ترا بهمگان برسانم: می گویی: هنگامه های رواندرمانی و اخلاق مجتمع تلاشهای آزادانه، آگاهانه و خودخواستی است که در جهت سلامت بخشی و اخلاقی سازی روان بکار می رود. رواندرمانگری و اخلاقی سازی یکسانی و همزمانی دارند: اگر از من پرسیده شود که چگونه می توان همزمان هم سالم بود و هم سلامت بخش، هم اخلاقی بود و هم اخلاقی ساز؟ چه پاسخی دارم؟ معیارهای دانشی بودن در همزمان و یکسان کردن تلاشها در هنگامه های رواندرمانی و اخلاق چه هستند؟

* هم اکنون تو و من مراجع یکدیگریم این معیارها همانست که هر دو رعایت کرده ایم: آزادانه، آگاهانه و خودخواست در برابر هم قرار گرفته ایم.

- میخواهی بگویی هم اکنون اینجا و اکنون تو در حال درمان کردن و اخلاقی ساختن من هستی، و من درحال درمان شدن و اخلاقی شدن هستم؟ سالم شدن و سلامت بودن همان اخلاقی شدن و اخلاقی بودن است؟!

* فضای بالینی که هم اکنون با رویارویی یکدیگر تشکیل داده ایم وقتی سالم، سلامت بخش، اخلاقی و اخلاقی ساز است که در تشکیل آن پنج شرط را رعایت کنیم: تو و من آزادانه، آگاهانه و خودخواست یکدیگر را پذیرفته باشیم و برای درمانی که به تو می دهم هزینه پردازی و من هزینه را بپذیرم. و از آنچه که میان من و تو می گذرد محرمانه پاسداری کنیم.

- آنچه تا بحال گفتی زیبا، با شکوه، سودمند و آسمانی است.

* آری آسمانی است، از اینکه تا این اندازه ژرف و بلند می اندیشی آفرین می گویم: درستی و نادرستی احکام آسمانی بر پایه سه شرط نخست نهاده شده است، احکام اخلاقی،

قضایی، اجتماعی، عبادی، اقتصادی، ... وقتی مورد قبول پروردگار است که ما در اجرای آنها عاقل (آگاهانه)، مختار (آزادانه) و بالغ (خواهنده) باشیم. هر یک از اینها که کاهش یا بد مورد پذیرش خداوند نیست و حکم باطل است. در سخن من و تو ناسالم است و اخلاقی نیست.

- از اینکه دیدگاه تو درباره سلامت و اخلاق مورد قبول خداوندگار است از دوستی با تو می‌بالم، شتاب دارم که هر چه زودتر آن را بکار بندم، راهنمایم کن.

* بارها گفته‌ام: راهنمایی، کمک، مشورت... نمی‌کنم.

- شگفتا چه می‌کنی!؟

* آگاهی ترا نسبت به آنچه که هستی و در روابط تو با دیگران و چیزها می‌گذرد، روشن می‌کنیم تا در پرتو آنها با آزادی و خواست خودت تلاش کنی.

- مگر آگاه ساختن همان راهنمایی کردن و کمک کردن نیست!؟

* آگاهی‌ها در تو و با تو است، با به پرسش گذاشتن واژه‌های کلی و مبهم تلاش می‌کنیم تا هر چه بیشتر آنها را روشن و متمایز سازیم، گسترش و ژرفا بخشیم. این هنر را از سقراط آموخته‌ام. او می‌گفت: "مادرم ماما است، ماما به زانو فرزند نمی‌دهد، او را یاری می‌کند تا فرزند خود را بزیاید، اگر سالم بود نگاهش دارد و گرنه کنارش بگذارد."

- خودت را آزادی درمانگر و آزادی‌درمانی را هنر پرسیدن گفته‌ای! چگونه است!؟

* هم اکنون از تو می‌خواهم که با توجه به محرمانه بودن با صراحت و جزئیات منظور از آمدن خود را نزد من بگویی: از من چه می‌خواهی!؟ با این پرسش نشان می‌دهم که نهایت توجه و احترام را به تو دارم، به خواسته‌هایت تکیه می‌کنم، آنگاه واژه‌های کلی و مبهم ترا به پرسش می‌گذارم، تا به پاسخهای جزئی و روشن برسی. حال بگو از من چه می‌خواهی!؟

- می‌خواهم تلاشهای زندگانیم سالم و اخلاقی باشد.

* منظور از سالم و اخلاقی بودن چیست؟

- شگفتا از آغاز گفتگو تو در حال سلامت بخشی و اخلاقی سازی من بودی: اکنون بخوبی می‌دانم که برای سالم و اخلاقی شدن، چگونه حالتها، رفتارها، هیجانها، گفتارها، ارتباطهای... خودم را در برابر دیگران و چیزها به پرسش بگذارم، آنقدر پیش بروم تا به پاسخی جزئی و روشن برسم و آنگاه این آگاهی‌ها را آزادانه و با خواست خودم بکار ببندم.

* این راهی طولانی است ولی هر چه جوانتر، باهوشتر و با فرهنگ تر و همکاری بیشتر داشته باشیم، کوتاه تر می شود: گاهی یک شبه ره صدساله و گاهی ره یک شبه صدساله می روی.

- این پیامی است که بارها در نوشته هایم خوانده ام و از دانشجویانم شنیده ام، محبت کن خودت به من بگو منظورت چیست؟

* هم اکنون هنگامه های رواندرمانی و اخلاق را در فضایی که میان من و تو است مشاهده کردیم، به پرسش گذاشتیم و پاسخهایی کردیم، دست آورد آن پژوهش، تشخیص و درمانی بود که همزمان پیدا شد و به تو امکان می دهد که در پرتو این آگاهی ها با آزادی و خواست خودت تلاش کنی.

- آه که شگفتی می آفرینی، در این زمان اندک در آنچه از آغاز گفتگو بود "هنگامه های رواندرمانی و اخلاق" به پژوهش پرداختیم، تشخیص دادیم و درمان شدیم. خود را در زیبایی، نیکی و سودمندی اخلاقی شدن و سلامت بودن، می یابیم ترا به خداوند زیبایی ها و نیکی ها سوگند می دهم، برایم بیشتر بگو.

* اگر می خواهی به خداوند زیبایی و نیکی دست یابی هر اندیشه را یک بار بشنو و بخوان، ده بار فکر کن و صدبار عمل کن، توهم به اندیشه ای تازه می رسی، که نیک، زیبا، سودمند و آسمانی است.

- آه که دیدگاهی که به من دادی چه با شکوه و احترام انگیز است، دریافتم: هنگامی که به رواندرمانگری می پردازیم، تلاشهای اخلاقی خود را بیشتر به نمایش می گذاریم.

* به آسانی درمی یابیم تمام کسانی که در فضاهای بالینی تلاش می کنند از این زیبایی، نیکی و سودمندی آسمانی برخوردارند: تلاشهای یک معلم برای آموزش همان تلاشهای اخلاقی اوست. تلاشهای یک قاضی برای قضاوت همان تلاشهای اخلاقی اوست، تلاشهای یک فروشنده، یک استاد دانشگاه برای دانش پژوهشی یک رئیس جمهور برای ریاست، یک مدیر دبستان، یک پدر خانواده، یک دانشجوی برای دانشجویی، هنگامه هایی از اخلاق آنها در آموزش، در قضاوت، فروشنده، استادی، دانشجویی و معلمی... است. تلاشهایی نیک، زیبا، سودمند و آسمانی است.

- به روشنی دریافتیم که هنگامه های روان‌درمانی و اخلاق یکسانی و همزانی دارند و دیدگاه تو همه دانشها را در برمی گیرد.

* شهادت آن را داشته باشیم که این پیام گرانبها را به همگان برسانیم.

- آه که چه با شکوه و آسمانی پیام می دهی. دانشنامه بزرگ اخلاق را در یک سخن گردآوری.

دانشمندان بزرگ در اوج دانش پژوهی، دانش ورزی، و دانش پردازی، روان‌درمانگران و اخلاقی سازان بزرگ و جاویدان بشریتند. تلاشهای آنها نیک، زیبا، سودمند و آسمانی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی